



۲۰۲۰/۰۶/۰۴



غوټ جانباز

## اسرار دیپلوماسی

تاریخ روابط دو جانبه افغانستان و ایالات متحده امریکا

(۱۹۱۹-۱۹۵۵)



قسمت ششم

نویسندگان: - گ. یژوف - پ. کرپینکو

مترجم: غوث جانباز ترجمه و تخلص: غوث جانباز

در دربار شاه امان الله خان دو گروه فعالیت می نمود. در رأس یکی از این گروه ها که از اصلاحات شاه حمایت می کرد محمد ولی خان دروازی قرار داشت.

طوری که قبلاً تذکر یافت محمد ولی خان دروازی در اداره امان الله خان معمولاً مأموریت های دیپلوماتیک را در کشورهای اروپایی و امریکا انجام میداد.

گروه دوم را محمد نادر خان و برادرانش رهبری می کردند. جنرال محمد نادرخان از توانمندی و نفوذ اقوام و روحانیون در افغانستان و اینکه اقبال متذکره علیه اصلاحات هستند، خوب آگاهی داشت. نادر خان به آن عقیده بود که در مسیر عصری ساختن کشور باید از احتیاط کار گرفته شود و توصیه می کرد که برای زدودن نارضایتی ها در کشور، باید از راه و رسم عنعنوی و معمول مانند جرگه های بین الاقوامی و غیره استفاده صورت بگیرد. استفاده از زور باید در حل و فصل اینگونه مسایل کاملاً منتفی گردد.

جنرال محمد نادر خان در عین حال تأکید میکرد که برای حفظ ثبات در کشور و استفاده از شیوه های سنتی برای رفع معضلات جاری به یک اردوی قوی نیاز است. موجودیت یک اردوی نیرومند برخی از اقوام را خواهد داشت تا از عدم اطاعت پذیری اجتناب ورزند. جنرال محمد نادر خان، قهرمان جنگ سوم افغان - انگلیس (موصوف هنگام جنگ سپهسالار قوای مسلح افغانستان و متعاقباً وزیر جنگ (وزیر دفاع) بود. جنرال محمد نادر خان یکی از مخالفین

شاه امان الله در رابطه به کاهش کمیت اردو بود. در شروع ۱۹۲۴ جنرال محمد نادر خان از هدایت شاه امان الله مبنی بر سرکوبی شورش قوم منگل سرپیچی کرد و از آن به بعد روابطش با شاه به تیرگی گرائید. جنرال محمد نادر خان در اپریل همان سال به حیث سفیر افغانستان در فرانسه تعیین و به آنکشور فرستاده شد. دیری نگذشت که محمد نادر خان از سمت سفیر افغانستان در پاریس نیز استعفاء داد و در آن شهر در موقف یک فرد عادی به زندگی پرداخت. در عین زمان برادر نادر خان، محمد علی خان به جای وی در کشور به حیث وزیر دفاع از طرف شاه تقرر یافت. (۳۰)

جنرال محمد نادر خان و سه برادرش: محمد هاشم خان، شاه ولی خان و شاه محمود خان (آنها نیز در فرانسه اقامت داشتند) در فیروزی ۱۹۲۹ به پیشاور آمدند.

پیشاور در آن ایام از طرف برتانوی ها به نام "ایالت شمال غربی" هند برتانوی مسماء گردیده و یکی از شهرهای پشتون نشین بود. جنرال محمد نادر خان و برادران وی در پیشاور به تنظیم نیروهای مسلحانه خویش پرداختند. اولین دسته های نیروهای مزبور در شروع مارچ ۱۹۲۹ خط دیورند را به مقصد کابل عبور نمودند. صرف نظر از جفای برخی از اقوام، مقاومت دسته های حبیب الله کلکانی در هم شکسته و آنها مغلوب شدند. لشکر جنرال محمد نادر خان کابل را به تصرف خویش درآورد. حبیب الله کلکانی خود را تسلیم فاتحین نمود ولی هیچگونه ترحمی ندید و به زودی با هفده تن از طرفدارانش اعدام گردید. برخی از طرفداران مسلح شاه امان الله خان در شمال کشور از جنرال محمد نادر خان به امید آنکه موصوف شاه مخلوع افغان را به تخت برگرداند از او حمایت نمودند. نادر خان نیز اشاره میکرد که هدف اش برگردانیدن مجدد شاه به تخت است. پس از آنکه جنرال محمد نادر خان به تاریخ ۱۶ اکتوبر به کابل رسید یک روز بعد (۱۷ اکتوبر ۱۹۲۹) جرگه نمایندگان دسته های نظامی اقوام، موصوف را به حیث پادشاه افغانستان اعلام نمودند. (۳۱)

حمایت انگلیس ها از جنرال محمد نادر خان نقش عظیمی را در پیروزی وی بازی کرد. انگلیس ها از هر آنکسی که خواستار سرنگونی شاه امان الله می بود حمایت می نمودند. در عین حال بی نظمی و انارشی هنگام حکومت داری حبیب الله کلکانی، بی سواد، غیر قابل پیش بینی بودن و فقدان استعداد کلکانی در مسایل مربوط به اداره دولت انگلیسها را وحشت زده می ساخت.

احتمال احراز مجدد تخت توسط شاه امان الله برای مورد انگلیسها قابل پذیرش نبود، بنا بر همین دلیل فعالیت گروه های مسلح طرفدار شاه در ولایت شمال افغانستان آنها را نگران ساخته بود.

انکشاف اوضاع نشان داد که برتانوی ها توانستند عملیات دو بگدی را در افغانستان پیاده سازند. در قدم اول پادشاه افغانستان را که برای شان نا مطلوب بود از تخت دور ساخته و سپس حبیب الله کلکانی را به دست خود افغان ها از بین بردند.

حکومت انگلستان به جنرال محمد نادر خان مبلغ ۱۷۵ هزار پوند ستیرلینگ به عنوان تحفه تحویل داد، ۱۰ هزار میل تفنگ مارک "اینفیلد" به او سپرد و به وی (نادر خان) کمک کرد تا به افغانستان برسد. حین توقف در هند برتانوی جنرال محمد نادر خان لشکر خود را آماده هجوم ساخته و سپس به کمک آن حبیب الله کلکانی را از تخت دور ساخت. (۳۲)

در نتیجه تغییر نظام در افغانستان (به قدرت رسیدن جنرال محمد نادر خان) مناسبات با اتحاد شوروی به سردی گرائیده و حجم تماس ها با آن کاهش یافت. در عین زمان روابط با انگلستان پُر رنگتر گردیده نفوذ آن بالای افغانستان بیشتر شد.

در خُور تذکر است که اداره حبیب الله کلکانی تلاش به خرچ میداد تا از جانب سائر کشورها به رسمیت شناخته شود، و به همین علت با خارجی ها از در حسن نیت پیش آمد صورت می گرفت. خارجی ها در اخیر سال هایی بیست سده بیستم در افغانستان به کثرت حضور داشتند. معلومات دست داشته نشان میدهد که به علت شروع جنگ های داخلی در کشور، طیاره های قوای هوایی برتانیه بیش از ۵۰۰ تبعه خارجی را که عمدتاً دیپلماتان و متخصصین بودند از افغانستان بیرون ساخته به هند برتانوی انتقال دادند.

در اوضاع و احوالی که افغانستان درگیر جنگ داخلی گردیده بود دیپلماتان کشورهای ترکیه، فارس، و اتحاد شوروی ایستادگی خاصی از خود نشان دادند، و نمایندگی های سیاسی کشورهای متذکره کمافی السابق به فعالیت خویش در کابل ادامه دادند. جرمنی قنصل خویش را از کلکته به کابل فرا خواند تا به حیث شارژدافیر آنکشور در افغانستان ایفای وظیفه نماید. پس از شکست شورشیان (طرفداران حبیب الله کلکانی) در ماه اگست ۱۹۲۵ در قلمرو افغانستان صرف سی تبعه خارجی حضور داشت، که ۱۴ تن آن کارمندان سفارت اتحاد شوروی بودند. (۳۳)

جنرال محمد نادر خان زمانی به قدرت رسید که کشور در منجلا ب هرج و مرج و بی نظمی غوطه میزد. در ولایات شمالی افغانستان دسته هایی از "باسماچ" ها که در اثر فشار اردوی سرخ شوروی بر آسیای مرکزی، از آنسوی سرحد فرار کرده، و در خاک افغانستان جابجا شده بودند. رهبری گروه های "باسماچ ها" را شخصی به نام ابراهیم بیگ به عهده داشت که بدون وقعی و توجهی به حکومت مرکزی افغانستان در کابل، در هر فرصت مناسبی به اتحاد شوروی حمله های مسلحانه انجام میداد.

از طرف دیگر، حلقاتی در برخی از اقوام کشور هنوز هم از اوامر حکومت مرکزی سرکشی می کردند و به گونه ای به مقاومت شان ادامه می دادند. به طور مثال، هرات هنوز تحت نفوذ طرفداران حبیب الله کلکانی قرار داشت. خزانه دولتی تهی بود، دستگاه دولتی و اردو منهدم گردیده بودند. جنرال محمد نادر خان به منظور رفع تمام مشکلات موجود، احیای مجدد اردو را در مرکز توجه خود قرار داد. تشکیل اردو در سال ۱۹۳۳ به ۴۰ هزار نفر تقرب کرد، در حالیکه رقم مذکور حین زمامداری شاه امان الله از ۱۲ هزار نظامی تجاوز نمیکرد.

مقارن همین زمان رهبری افغانستان نیز در داخل کشور با دشواری های عظیمی از بابت شورش های اقوام "وزیر" و "مسعود" مواجه بود. طوریکه قبلاً تذکر یافت جنرال محمد نادر خان از آنسوی خط دیورند وارد افغانستان گردیده و سپس تخت افغانستان را تصاحب نمود. اکنون با الهام از همین حادثه تاریخی خواستند کس دیگری را بر تخت افغانستان بنشانند. تعداد کسانی که آرزو داشتند در رأس قیام آینده قرار گیرند و متعاقباً تخت کابل را به دست آورند کم نبود. اقوام "وزیر" و "مسعود" به قصد تغییر نظام در افغانستان آخر الامر خط فرضی دیورند را عبور نموده داخل افغانستان گردیدند. در برخی از مناطق شورشیان حتی مورد حمایت مخالفین نظام نیز قرار گرفتند. طی زد و خوردهای که جا داشت مهاجمین موفقیت های نظامی را در ناحیه خوست داشتند. صرف در نتیجه مساعی مشترک حکومت افغانستان و هند برتانوی، منجمله بلوسیله تطمیع ... شورشیان قبول کردند تا از شورش دست بکشند و به محلات بود و باش خویش در آنسوی دیورند برگردند. اندکی بعدتر، در بهار ۱۹۳۸ اقوام "وزیر" و "مسعود" مجدداً

دست به هجوم بردند. اینبار شورش را فردی به نام "پیری شام" رهبری می کرد. " (اسم اصلی این شخص محمد سعد آل گیلانی بود) "پیر شام" از علمای کرام سوریه به شمار می رفت و نماینده یکی از طریقت های بزرگ صوفی، "قادریه" بود. شخص مذکور (محمد سعد آل گیلانی) بنا بر نسبتی که با ملکه ثریا داشت، قریب حلقه نزدیک اعلیحضرت امان الله خان خوانده می شد. اردوی افغان به کمک ده فروند طیاره جنگی شورش "وزیری ها" و "مسعودی ها" را متوقف ساخت. قوای هوای برتانیه از فعالیت های نظامی افغانستان حمایت می کرد. در نتیجه تلاش های معینی، انگلیس ها بالاخره توانستند "پیر شام" را در بدل ۲۰ هزار پوند سترلینگ تطمیع نموده و در طیاره خویش از افغانستان بیرون بسازند. (۳۶)

حکومت محمد نادر خان در سال ۱۹۳۱ تلاش ها را به خاطر تأمین روابط دیپلماتیک با ایالات متحده آمریکا از طریق سفارتخانه های خویش در روم و لندن از سر گرفت. تلاش هایی را که جنرال محمد نادر خان در دسمبر ۱۹۳۱ در روم در این زمینه انجام داد در خور مکث می باشد. فرستاده افغانستان با شارژدافیر آمریکا در روم به نام "کرک" ملاقات نموده (سفیر آمریکا در زمان مورد بحث در روم حضور نداشت) و به موصوف اظهار داشت: "حکومت افغانستان از واشنگتن اطلاع حاصل نموده که اداره آمریکا آرزو دارد روابط دیپلماتیک را با افغانستان برقرار سازد. بنا برین حکومت افغانستان از این امر اظهار رضایت مندی نموده آماده است تا روابط دو جانبه میان کشورهای ما تأمین گردد و قرار داد مربوطه در زمینه عقد شود. "

باید اذعان داشت که این عمل جانب افغانستان نه تنها کاری بود شجاعانه، بلکه در ماهیت خود تلاشی تمام نمایی برای تأمین روابط دیپلماتیک و سائر روابط با آمریکا بود. افغانها سرسختانه آرزو داشتند تا روابط مذکور بالاخره تأمین گردد.

دلچسپ است که جانب افغانستان به اطلاعی اشاره می کرد که وجود نداشت. درعین حال، افغان ها موضوع تأمین روابط دیپلماتیک را طوری مطرح می ساختند تو گویی افغانستان از طرف ایالات متحده آمریکا مدت ها قبل به رسمیت شناخته شده است. شارژدافیر "کرک" موضوع ملاقات با فرستاده افغانستان را به واشنگتن مخابره نمود و در زمینه خواهان هدایت گردید.

در آستانه جنگ دوم جهانی کمیته قوای مسلح افغانستان مقرب به (۷۰۰) هزار منسوب نظامی بود. جنرال محمد نادر خان نظامیان افغان را برای آموزش نظامی (منجمله برای فراگیری فن پیلوتی) به هند برتانوی، ترکیه، فرانسه و جرمنی اعزام می داشت. هدف اساسی قوای مسلح را مثل دوره امیر عبدالرحمن خان تأمین امنیت و ثبات در داخل کشور تشکیل می داد. (۳۴)

جنرال محمد نادر خان برخلاف انتظار، پس از به قدرت رسیدن در تعمیم سیاست داخلی خود محافظه کارانه تر عمل می کرد. محمد نادر خان عمداً و با نمایش تمام، با علمای دین در مورد مسائل کشوری، اعم از اجتماعی، سیاسی، معارف و غیره به مشوره می نشست. شاه عنعنات و موادین دینی را پیرامون مؤقف زن در اجتماع، و چگونگی ظاهر زن را مجدداً جاری ساخت، به تن نمودن چادری کار حتمی شد.

طرفداران سیاست عصری سازی افغانستان که شاه امان الله در رأس آن قرار داشت یا مجبور به فرار می شدند، یا تبعید می گردیدند و یا هم به قتل می رسیدند. در قانون اساسی ۱۹۳۳ صلاحیت های عظیمی به پادشاه و روحانیت

تسجیل یافت. صلاحیت های روحانیون بیشتر از دوره های امان الله خان، حبیب الله خان و حتی عبدالرحمن خان بود. (۳۵)

هنگام زمامداری جنرال محمد نادر خان (۱۹۲۹-۱۹۳۳) همکاری ها با دول خارجی آغاز گردیده و انکشاف بعدی یافت. دست اندرکاران نظام جدید کوشش می کردند پیشرفت های کشورهای دیگر را با ساختارهای عنعنوی، اجتماعی و دولتی افغانستان وفق دهند.

در دوره محمد نادر خان و متعاقباً در زمان سلطنت پسر وی، محمد ظاهر شاه، نزدیکی قابل ملاحظه با انگلستان صورت گرفت. از برکت سیاست اجتناب از حمایت پشتون ها در هند برتانوی، انگلیسها توانستند مواضع خویش را در ایالت سرحدی شمال - غربی (خیبر پختونخوا امروزی) استحکام بخشند. محمد هاشم خان، برادر محمد نادر خان که حین زمامداری محمد ظاهر شاه سمت صدراعظم افغانستان را الی ۱۹۴۶ به عهده داشت و دولت را با " دستان آهین " اداره می کرد، سعی نمود روابطش را با انگلیسها حتی بیشتر از برادرش (محمد نادرخان) نزدیک بسازد. پالیسی صدراعظم محمد هاشم خان برخاسته از عوامل آتی بود:

- عدم اعتماد در برابر اتحاد شوروی. هاشم خان قبلاً به حیث سفیر افغانستان در مسکو ایفای وظیفه نموده بود و این مصادف به زمانی بود که ستالین برای استحکام حاکمیت اش سیاست " پاک سازی " را با شدت و حدت تمام پیش میبرد. هاشم خان از جزئیات روش های ستالینی و همچنان از اشتراکی ساختن اقتصاد، آنهم به طور جبری به خوبی آگاه بود.

- حکومت هاشم خان مکلف گردید "مبارزین هندی" را از قلمرو افغانستان بیرون کند و تعهد نمود که به اقوام ماورای سرحد با هند برتانوی اجازه ندهد تا در فعالیت های ضد برتانیه اشتراک ورزند. افغانستان و اداره برتانوی در هندوستان یکجا در سرکوبی قیام هایی اقوام پشتون در قلمرو افغانستان و هندوستان سهم می گرفتند.

در سال ۱۹۳۶ قیام بزرگی قوم "وزیر" در امتداد خط دیورند آغاز گردید. در برخی از موارد تعداد قیام کنندگان بیش از ۸۰۰ الی ۱۰۰۰ تن نمی بود. . . اما برتانوی ها الی ۵۰ هزار نیروی مسلح را برای سرکوبی آنها سوق می دادند. تلفات انگلیس ها در دسمبر ۱۹۳۷ مقرب به یک هزار نفر بود، و این در حالیکه برتانوی ها به صورت گسترده از قوای هوایی نیز کار می گرفتند.

مقارن همین زمان رهبری افغانستان نیز در داخل کشور با دشواری های عظیمی از بابت شورش هایی اقوام "وزیر" و "مسعود" مواجه بود. طوریکه قبلاً تذکر یافت محمد نادر خان از آنسوی خط دیورند وارد افغانستان گردیده و سپس تخت افغانستان را تصاحب نمود. اکنون با الهام از همین حادثه تاریخی خواستند کس دیگری را بر تخت افغانستان بنشانند. تعداد کسانیکه آرزو داشتند در رأس قیام آینده قرار گیرند و متعاقباً تخت کابل را به دست آورند کم نبود.

اقوام "وزیر" و "مسعود" به قصد تغییر نظام در افغانستان آخرالامر خط فرضی دیورند را عبور نموده داخل افغانستان گردیدند. در برخی از مناطق شورشیان حتی مورد حمایت مخالفین نظام نیز قرار گرفتند. طی زد و خوردهایی که جا داشت مهاجمین موفقیت های نظامی را در ناحیه خوست داشتند. صرف در نتیجه مساعی مشترک حکومت افغانستان

و هند برتانوی، منجمله بلوسیلۀ تطمیع ... شورشیان قبول کردند تا از شورش دست بکشند و به محلات بود و باش خویش در آنسوی دیورند برگردند.

اندکی بعدتر، در بهار ۱۹۳۸ اقوام "وزیر" و "مسعود" مجدداً دست به هجوم بردند. این بار شورش را فردی به نام "پیری شام" رهبری می کرد.

" (اسم اصلی این شخص محمد سعد آل گیلانی بود) "پیری شام" از علمای کرام سوریه به شمار می رفت و نماینده یکی از طریقت های بزرگ صوفی، "قادریه" بود.

شخص مذکور (محمد سعد آل گیلانی) بنا بر نسبتی که با ملکه ثریا داشت، قریب حلقه نزدیک اعلیحضرت امان الله خوانده می شد. اردوی افغان به کمک ده فروند طیاره جنگی، شورش "وزیری ها" و "مسعودی ها" را متوقف ساخت. قوای هوای برتانیه از فعالیت های نظامی افغانستان حمایت می کرد. در نتیجه تلاش های معینی، انگلیس ها بالاخره توانستند "پیریشام" را در بدل ۲۰ هزار پوند سترلینگ تطمیع نموده و در طیاره خویش از افغانستان بیرون بسازند. (۳۶) حکومت محمد نادر خان در سال ۱۹۳۱ تلاش های را به خاطر تأمین روابط دیپلماتیک با ایالات متحده آمریکا از طریق سفارتخانه های خویش در روم و لندن از سر گرفت.

تلاشهایی را که محمد نادر خان در دسمبر ۱۹۳۱ در روم در این زمینه انجام داد در خور مکث می باشد. فرستاده افغانستان با شارژدافیر آمریکا در روم به نام "کرک" ملاقات نموده (سفیر آمریکا در زمان مورد بحث در روم حضور نداشت) و به موصوف اظهار داشت: "حکومت افغانستان از واشنگتن اطلاع حاصل نموده که اداره آمریکا آرزو دارد روابط دیپلماتیک را با افغانستان برقرار سازد. بنا برین حکومت افغانستان از این امر اظهار رضایتمندی نموده آماده است تا روابط دو جانبه میان کشورهای ما تأمین گردد و قرار داد مربوطه در زمینه عقد شود."

باید اذعان داشت که این عمل جانب افغانستان نه تنها کاری بود شجاعانه، بلکه در ماهیت خود تلاشی تمام نمایی برای تأمین روابط دیپلماتیک و سایر روابط با آمریکا بود. افغان ها سرسختانه آرزو داشتند تا روابط مذکور بالاخره تأمین گردد.

دلچسپ است که جانب افغانستان به اطلاعی اشاره می کرد که وجود نداشت. درعین حال، افغان ها موضوع تأمین روابط دیپلماتیک را طوری مطرح می ساختند تو گویی افغانستان از طرف ایالات متحده آمریکا مدت ها قبل به رسمیت شناخته شده است. شارژدافیر "کرک" موضوع ملاقات با فرستاده افغانستان را به واشنگتن مخابره نمود و در زمینه خواهان هدایت گردید.

ادامه دارد...



**تذکر:** هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می

توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

اسرار دیپلماسی و روابط دو جانبه افغانستان و آمریکا (شش)  
Janbaz\_Ghaus\_asraar\_diplomatie\_۶.pdf